

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۹۷

جمعه ۱۴ آذر ۱۳۹۹، ۴ دسامبر ۲۰۲۰

ترور فخری زاده، سرگیجه حکومت و نزاع جناحها

ترور محسن فخری زاده که بعنوان دانشمند هسته ای جمهوری اسلامی معرفی شده در صفوف حکومت اسلامی سرگیجه و ولوله ای پیا پیا کرده است. رجزخوانیها، کف بر دهان آوردنها، تعزیه و روضه خوانیها، تهدیدها و بسیج لشکر اوباش به خیابانها بار دیگر اوج گرفته است. اینها کارهایی است که در آن جمهوری اسلامی استاد است و مهارت دارد. سعی میکند با فضا سازی و کر کردن گوش مردم با تعزیه و روضه و مداحی، و فشار گذاشتن روی اقشار مختلف مردم برای اعلام بیعت با حکومت، از این ضربه ای که خورده بنفع خود استفاده کند. همان کاری که در مرگ قاسم سلیمانی کردند. اما پاسخی که گرفتند برعکس اعتراضات مردمی بلافاصله بعد از آن در دی ماه بود که تظاهر کنندگان عکس سلیمانی و خامنه ای را پاره کردند و پایین کشیدند و شعار نابود باد حکومت اسلامی و خامنه ای قاتله ..و مرگ بر دیکتاتور سر دادند. بهر رو فضای مسموم کننده ای در اطراف ترور محسن فخری زاده نیز براف افزاده است. چون حکومت ضربه ای کاری خورده است و کار دیگری جز این نوحه و زاری نمیتواند انجام دهد. همانگونه که میدانیم ترور محسن فخری زاده اولین ترور دانشمندان هسته

ای جمهوری اسلامی نیست و چندین تن از آنها طی ده سال گذشته تاکنون ترور شده اند و جمهوری اسلامی کاری که کرد شماری از شهروندان را دستگیر کرد و آنها را زیر شکنجه وادار به اعتراف به دست داشتن در ترور و جاسوسی کرد. و حتی یکی از آنها بنام مجید جمالی را وحشیانه اعدام کرد. اما همانگونه که همه از ابتدا میدانستند، بعدا خود حکومت با آزاد کردن بقیه دستگیر شدگان، در واقع اعتراف کرد که این افراد هیچ ربطی به ترورها نداشته اند. در موارد متعددی هم علت مرگ متخصصین هسته ای شان را به دلایلی غیر از ترور منتسب کردند مثل قتل اردشیر حسین پور که علتش را گازگرفتگی عنوان کردند اما بعدا افشا شد که توسط موساد به قتل رسیده است.

اما ترور محسن فخری زاده چهره مهم و اصلی پروژه هسته ای جمهوری اسلامی، آشکارا ضربه ای بسیار سخت بر تن جمهوری اسلامی است و عمیقا صفوف حکومت را به هم ریخته و آنها را دچار سر در گمی و سرگیجه کرده است. اطلاعاتی که از نحوه ترور و حتی مکان ترور و همراهان فخری زاده و افرادی که ترور کرده اند میدهند بسیار متناقض و بعضا مسخره ادامه در صفحه ۲

گرامی باد بیست و نهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ آذر ۹۹، ۳۰ نوامبر ۲۰۲۰



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party Of Iran

دو قطبی فقر و ثروت در ایران

صفحه ۳

خلیل کیوان

"طرح هسته ای مجلس" و دعوای جناح های حکومت!

صفحه ۴

محمد شکوهی

در اهمیت روز مبارزه با سانسور

صفحه ۵

حسن صالحی

بیانیهی کانون نویسندگان ایران به مناسبت ۱۳ آذر،

صفحه ۶

روز مبارزه با سانسور

به یاد شهلا جاهد، زن آزاده ای که به

دست جمهوری اسلامی ایران اعدام شد!

صفحه ۶

مینا احدی

سیل در خوزستان

صفحه ۷

بیانیه به مناسبت ۱۶ آذر ۹۹؛ دانشگاه زنده است

صفحه ۸

شانزده آذر، روز نه به جمهوری اسلامی!

صفحه ۹

از مدیای اجتماعی حزب - صفحات ۳، ۴، ۶، ۷، ۹

اطلاعیه ها

۱- در محکومیت اجرای حکم شلاق داود رفیعی - صفحه ۱۰

۲- آغاز دور جدید اعتراضات کارگران فولاد اهواز - صفحه ۱۱

۳- اطلاعیه برگزاری کنفرانس شورای کادرهای کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران - صفحه ۱۱

۴- واحدهای حزبی را هر کجا هستید ایجاد کنید! صفحه ۱۲

۵- اعتصاب کارگران ماشین سازی تبریز، و اعتراضات پرستاران

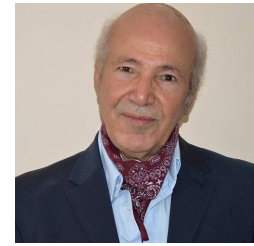
و جوانان شهریوی صفحه ۱۲

ضمیمه ۸۹۷ انترناسیونال به تاریخ امروز جمعه منتشر میشود

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

ترور فخری زاده، سرگیجه حکومت ...

کاظم نیکخواه



است. فرماندهان سپاه و وزارت اطلاعات و سران حکومت و رسانه هایشان هرکدام داستان ترور را به نحوی بیان میکنند و چیزی میگویند. مانده اند که چگونه سر و ته ماجرا را بهم بیآورند. بنظر میرسد که دقیقاً حتی میدانند که از کجا خورده اند. حتی بنا به برخی گزارشها نگهبانان و بستگان فخری زاده را نیز مورد بازجویی قرار داده اند تا سر نخ گیر بیآورند. چون میدانند که عاملین ترور فقط میتوانند کسانی از درون خود رژیم باشند. یک بلیشوی تمام عیار در صفوف حکومت قابل مشاهده است.

با این ضربه نه فقط حکومت اسلامی از یک شخصیت کلیدی در صنعت هسته اش محروم شده، بلکه مهمتر اینست که این ضربه آشکارا وجهه این حکومت ترور و سرکوب را بطور جدی زیر سوال برده است. حکومتی که با یکه تازی و تروریسم و نظامیگری و ادعای قدر قدرتی به حیات خود ادامه میدهد، با این ترور، و به فاصله کمی قبل از آن ترور شخص دوم القاعده در تهران و انفجار تاسیسات هسته ای نطنز و نمونه های دیگری از این دست، کل تبلیغات و رجزخوانیها و قدرتمایی هایش شکست خورده و پوچ از آب در آمده است. از این زاویه ترور فخری زاده که چهره شناخته شده ای هم در بیرون حکومت نبود، ضربه سنگین تری به وجهه حکومت نسبت به نمونه های قبل و حتی نسبت به قتل قاسم سلیمانی

بسیار سنگین تمام شده و میشود و عواقب و عوارضش تا مدتها ادامه خواهد یافت.

جمهوری اسلامی طی این چند روز رجز خوانی زیاد کرده است. اما همانگونه که رجزخوانیهای بعد از قتل قاسم سلیمانی تماماً پوچ از آب در آمد و تنها کاری که کردند جنازه چرخانی و سرنگون کردن هواپیمای مسافربری و کشتار ۱۷۶ سر نشین بیگناه این هواپیما و امثال اینها بود، اینجا هم کار چندانی علیه دولت اسرائیل و آمریکا نمیتوانند بکنند. بعضی هایشان مثل روحانی هشدار میدهند که نباید در زمینی که "رژیم صهیونیستی" فراهم کرده بازی کنیم. یعنی نباید به دام ترور و ترور متقابل بیفتیم که برایمان گران تمام میشود.

یک نکته مهم اینست که این ترور نشان میدهد در صفوف حکومت فرد سطوحی بالا دشمنانش نفوذ کرده اند و اطلاعات بسیار محرمانه شان درز میکنند. این حقیقتی است که قابل کتمان و لاپوشانی نیست. و منشاء یک بحران سیاسی کشنده و جدالها و دعوای خونین و جدی ای در صفوف حکومت خواهد بود. بنظر میرسد دعوای و رقابتهایشان از هم اکنون داغ تر شده است و هنوز از مرگ فخری زاده خود را خلاص نکرده، یکدیگر را به نحوی متهم میکنند که شایستگی ندارند. رقابت وزارت اطلاعات، و اطلاعات سپاه پاسداران از همه در این زمینه عیان تر است و این روزها وزارت اطلاعات فیلمی مستند منتشر کرد و به نحوی وجود مراکز متعدد اطلاعاتی را، که اشاره اش به اطلاعات سپاه و دیگر مراکز اطلاعاتی بود، منشاء ضعف و ضربه پذیری حکومت اعلام نمود. با این ترور و در ادامه این وضعیت بدون شک بحران درونی حکومت تشدید خواهد شد و جناحهای حکومت بیشتر از قبل بجان هم خواهند افتاد و قطعاً اختلافات در آینده ای

نزدیک آشکارا بیرون خواهد زد و میتوان تصور کرد که اشکال بروز این اختلافها در صفوف امنیتی ها میتواند به شکل ترورها و سر به نیست کردنها و اشکال خشونت بار باشد. این یکی از اثرات ترورهای از این دست بر صفوف حکومت است.

و نکته آخر

ضرباتی از این دست قطعاً در دراز مدت جمهوری اسلامی را تضعیف میکند. اما در کوتاه مدت این کشتارها و ترورها و ترورهای متقابل، فضای جامعه را برای اعتراضات مردمی، اعتصابات، تظاهرات و جنبشهای اجتماعی بدرجه ای نا امن تر میکند. بالاخره ما مردم خود باید تکلیف خود را با این حکومت تعیین کنیم و آنرا از صحنه جامعه جارو کنیم. رویدادهایی از این دست به حکومت بهانه و زمینه فضا سازی و جنجال بیشتر و عریبه کشی در سطح جامعه را بیشتر فراهم میکند و باید برای مقابله با آن آماده بود. رقابت و کشاکش دولتها بدرجه ای که شکل نظامی و ترور و جنگ و کشتار به خود میگیرد، به همان درجه فضا را بر اعتراضات و اعتصابات مردم علیه حکومت نا امن تر و تنگ تر میکند. در این تردیدی نیست. اما اگر ما مردم برای مقابله با این جنبه ها آماده باشیم میتوان این عواقب و اثرات منفی را خنثی و یا حتی به ضد خود

تبدیل کرد.

ما مردم مقصر و بانی ترورها و جنگ و جدالها نیستیم. بلکه خود حکومت است که فضای ترور و تروریسم را دامن زده است و بسیاری از عزیزان مردم را نیز ترور کرده است. بنابراین هر ذره فشار حکومت به مردم به بهانه ترورها باید وسیعاً افشا شود و محکم جواب بگیرد. بویژه در رسانه های اجتماعی باید فعالانه به حکومت و مدافعانش تعرض کرد. جمهوری اسلامی یک حکومت تروریست است. نباید اجازه داد که پادوهای جمهوری اسلامی تلاش کنند بخشهایی از مردم را برای بیعت با حکومت زیر فشار قرار دهند. جریانات و کسانی که به این فشارها تمکین میکنند و هم صدا با حکومت ترور مهره های حکومت را محکوم میکنند، بنوعی با حکومت دارند بیعت میکنند و این بنوعی پشت کردن به مردم و ضربه ای به مبارزه مردم است. هرچقدر هم که با ترور مهره های حکومت در شرایط کنونی مخالف باشیم، نباید یک ذره با جمهوری آدمکش اسلامی در محکوم کردن ترور مهره هایش هم صدا شد. اگر کسی و چیزی باید محکوم شود حکومتی است که این فضای ترور و تروریسم را ایجاد کرده و دامن زده است و ستون اصلی تروریسم در کل منطقه است.*

برای آشنایی، ارسال خبر، گزارش،

همکاری و عضویت

در حزب کمونیست کارگری

میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

سایت حزب: www.wpiran.org

واتس اپ: +۲۲ ۷۴۳۵۵۶۲۴۴۲

تلگرام: @wpi_hkki

پیامگیر تلگرام: @wpi_tamas

اینستاگرام: wpi91

فیسبوک: www.facebook.com/wpiran

سرنگون باد جمهوری اسلامی

دو قطبی فقر و ثروت در ایران خلیل کیوان



قرن بیستم از جمله این جوامع اند که منجر به دو انقلاب بزرگ و زیروروکننده در آنها شد. اشراف و طبقات دارا در فرانسه و روسیه دوران انقلاب و در گرماگرم فقر و تنگدستی مردم، مانند امروز ایران، مجالس عیش و نوش و خوشگذرانی شان دایر بوده است. آنها چنان غرق در تجملاتشان بودند که نه

حسی برای همدردی و نه عقلی برای عاقبت اندیشی برایشان باقی مانده بود. فقط وقتی بخود آمدند که کاخ هایشان به تصرف مردم بجان آمده و انقلابیون در آمده بود. ایران از این نظر به آن دوره های تاریخی شباهت دارد. با این تفاوت که از برخی جهات زخم ها و شکاف ها عمیق تر و گسترده تر است و درک و آگاهی مردم از علت و ریشه این شکافها نیز عمیق تر است.

مردم در جریان حجم گسترده ای از اخبار مبنی بر دزدی ها و اختلاس های کلان، زندگی های لاکچری آقازاده ها و سران رژیم در عمارات و ویلاهایی که بقول برخی از خود مقامات حکومتی از کاخ های رژیم سابق نیز مجلل ترند، پورشه سواری عزیزدردانه های حکومتی، خارج کردن ثروت های مقامات و مدیران حکومت به کشورها و بانک های آسیایی، اروپایی و آمریکایی، رسوایی هایی که بواسطه زندگی دو گانه ای در داخل

این نمایش چندش آور در مقابل چشمان جامعه ای که اکثریت عظیم مردمش برای گذران امور خود در مضیقه اند و بویژه آن ده ها میلیون نفری که بواسطه فقر و فلاکت زندگی شان نابود شده است، در حکم پاشیدن نمک بر زخم است. این نمایش نه یک رویداد ساده بلکه نشان از آن دارد که فاصله و شکاف حکومت و اشرافیت وابسته به آن در همه زمینه ها و نه فقط در زمینه اقتصادی بلکه در روش زندگی، رفتار و اخلاقیات هم، بنحو خیره کننده ای با مردم زیاد شده است.

بی خبری و یا بی حسی حاکمان و داراها در ایران نسبت به زندگی اکثریت عظیم مردم در کمتر دوره ای از تاریخ تا این حد برجسته بوده است. این درجه از شکاف غنی و فقیر و فاصله طبقاتی بندرت در کشوری شکل گرفته است. فرانسه پایان قرن هیجدهم و روسیه اوائل

روزهای گذشته نشر ویدئوهایی از اتاق های زایمان لاکچری در فضای مجازی و سایت های خبری فارسی در کانون توجه قرار گرفت. خبر این بود که هتل بیمارستان گاندی در تهران خدمات لاکچری برای زایمان ثروتمندان ایران برای تاریخ کذایی 9/9/99 ارائه کرده است. مخارج اتاق زایمان و سالن دیدار برای هر شب از میلیونها تا ده ها میلیون تومان بالغ میشد. بعید است یک درصدی های دنیا در کشوری دیگر این چنین علاقه ای به نمایش تهوع آوری از لاکچری داشته باشند. در ایران اما حکومت و طبقه حاکم همه مرزها را در هم شکسته است. قبح همه چیز فرو ریخته است. چیزی نیست که لجن مال نشده باشد. رفتار و اخلاقیات و سبک زندگی مشمنز کننده شان را هم به نمایش میگذارند. بوی تعفن شان همه جا را گرفته است.



ماموران شهرداری را اصفاه کرد.

از یک منظر تصویر امروز ایران دو قطبی فقر و ثروت است. تصویری که بنحو کم سابقه ای از یکسو شرایط اسفباری را برای ده ها میلیون نفر نشان میدهد و از سوی دیگر اشرافی گری و لاکچری که طبقه دارا و حکومت را به تصویر میکشد. این وضعیت پایدار نیست. مصائب بی شمار مردم به همراه فقر و شکاف عظیمی که هر روز گسترده تر و عمیق تر میشود دیر یا زود جامعه را به انفجار اجتماعی و انقلاب زیر و رو کننده سوق خواهد داد. حکومت و اشراف ایران وقتی بخود خواهند آمد که بانگ خروس انقلاب آنها را از خواب بیدار کند و کاخ هایشان را به تصرف مردم عاصی و انقلابیون درآورد. انقلابی انسانی که رفاه و برابری و عدالت اجتماعی را برای همگان به ارمغان خواهد آورد*

و خارج دارند، حقوق های نجومی و رانت خواری ها و ده ها نمونه دیگر هستند. اینها فی الحال فاصله و تنفر مردم از حکومت و طبقه سرمایه دار ایران را بعد کافی بیان میکنند. نمایش لاکچری زایمان پیاز داغ این اش زندگی اشرافی و لاکچری طبقه سرمایه دار و حکومت آن است.

و این در حالی است که هر روز از گوشه و کنار کشور اخبار و گزارشاتی تکان دهنده و تلخ از فقر و تنگدستی گسترده ده ها میلیون نفر گزارش میشود. فقر چنان چنبره خود را بر گوی جمعیت وسیعی فشرده است که منجر به گسستن خانواده ها، پشت بام خوابی، گورخوابی، کارتون خوابی، تن فروشی، زباله گردی، فروش اعضا بدن، سوء تغذیه و این اواخر خبر تکان دهنده خودکشی کودکان و دانش آموزان بخاطر فقر هستیم. به اینها باید اخبار خراب کردن آونک ها و سرپناهی که مردم در حاشیه شهرها برای خود ساخته اند توسط

سیمای منفور و دستگاه مذهب حکومت میکند. راهی برای پاسخگویی به خواست های مردم ندارد و تصور میکند هرچه بودجه دم و دستگاه سرکوبش را بیشتر کند، وزارت اطلاعاتش را پنجاه درصد افزایش دهد و آخوندهای بیشتری تربیت کند مردم کوتاه میانند. اینها اما همه باروت خشم و نفرت گسترده تر مردم میشوند.

سوم دسامبر ۲۰۲۰

از مدیای اجتماعی حزب

هرچه فقر بیشتر میشود و هرچه اعتراض بیشتر گسترش می یابد بودجه نیروهای سرکوب و دستگاههای تبلیغاتی حکومت بیشتر میشود.

۱۰ استان شامل همدان، اردبیل، زنجان، یزد، مرکزی، چهارمحال و بختیاری، البرز، قزوین، قم و سمنان است.

حکومت اسلامی تنها با تکیه به نیروی سرکوب و ارعاب تبلیغاتی از صدا و

دولت در لایحه پیشنهادی برای سال آینده بودجه صدا و سیما را دو هزار و ششصد و نوزده میلیارد تومان برآورد کرده که نسبت به سال گذشته حدود ۳۵ درصد افزایش دارد. بودجه پیشنهادی برای صدا و سیما معادل بودجه

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org





رسد عزم جزم کرده اند، باند دیگر حکومت یعنی دولت روحانی و موافقان مذاکرات هسته ای در درون حکومت و برجام را به حاشیه رانده و از مراکز قدرت و تصمیم گیریها در این موارد بیرون بیندازند.

حدت و شدت این دعواهای جناحی تا آنجا پیش رفته که جریان مسلط در مجلس در صدد سلب اختیارات داده از طرف خامنه ای به تیم مذاکره کننده هسته ای را مطرح کرده و همه اقدامات تاکتونی و کنار آمدنهای حکومت با بحران هسته ای اش در مذاکره با غرب را زیر سوال برده است. بخش هایی رسماً اعلام کرده اند که ظریف و تیم هسته ای نباید در هیچ مذاکره ای شرکت بکنند. در این میان دولت روحانی که از طرف شورای امنیت ملی حکومت با وزارت خارجه و تیم هسته ای اش مذاکرات برجامی و هسته ای را به پیش می برد، در برابر این اقدام مجلس خلع سلاح شده و طرف مقابل یعنی مجلسی ها و کلا جریانات اصولگرا از مجلسی ها گرفته تا بیت رهبری آب سردی را به روی برجام مورد نظر روحانی ریختند. این وضعیت در حالی برای

"طرح هسته ای مجلس" و دعوای جناح های حکومت!

محمد شکوهی



حکومت با غرب را به مرحله حساسی رسانده است. برخی از نمایندگان در مجلس حکومت موقع تصویب این طرح عربده کشیدند که برجام مرده به دنیا آمد و دولت باید سیاستهای مجلس را مبنای سیاستهای هسته ای قرار دهد.

در واکنش به این طرح مجلس، روحانی گفته که "دولت با مصوبه مجلس موافق نیست و آن را برای روند فعالیت های دیپلماتیک مضر می داند". بدین ترتیب دعوای و کشمکش های جناح های حکومت به بهانه ترور و بحران هسته ای دوباره بالا گرفته و کل نظام را با یک بحران جدی روبرو کرده است. خامنه ای و قالیباف رئیس مجلس و سرداران سپاه که همگی الان در مجلس هستند به نظر می

این هفته مجلس اسلامی در واکنش به ترور دانشمندان هسته ای اش "طرح مقابله با تحریم های هسته ای و آنچه "صیانت از حقوق ملت ایران" از آن اسم برده را تصویب کرد. بر اساس این طرح جمهوری اسلامی تعهدات هسته ای اش را کاهش داده و غنی سازی ۲۰ درصدی اورانیوم را شروع خواهد کرد و بازرسی های آژانس اتمی متوقف میشود تا به ادعای مجلسی ها، کشورهای باقیمانده در برجام اقداماتی برای لغو تحریمها بکنند.

تصویب این طرح بعد از ترور فخری زاده و نمایان شدن سوراخ های اطلاعاتی و امنیتی در سیستم حکومت، دعوای و اختلافات حکومت پیرامون بحران هسته ای و ادامه برجام و آماده سازی گفتگوهای آتی اتمی

ترک های جدی برداشته است. همدیگر را دارند لو می دهند. خودشان می گویند در جریان ترور، سوراخ های امنیتی شان برملا شده و این امر باعث شده که اسرائیل و "دشمنان نظام" از آن استفاده بکنند. تحریمها کمر رژیم را خرد کرده، جنگ اعلام نشده آمریکا و متحدانش در منطقه بر علیه دار و دسته های تروریست مورد حمایت رژیم شدت گرفته، در سوریه تقریباً هر روز نیروهایشان را می کشند. در عراق دار و دسته های مورد حمایتشان دارند زمین گیر میشوند. در لبنان ورق بر علیه رژیم برگشته. حتی کار به جایی رسیده که قالیانی فرمانده سپاه قدس از حزب الله خواست که اسرائیل را تحریک نکند. این وضعیت رژیم در منطقه است.

رژیم پیش آمده است که قرار است دور جدید گفتگوهای آتی برجامی در ۲۶ آذر در ژنو دوباره آغاز شود.

اختلافات و کشمکش های بوجود آمده بر سر طرح اخیر مجلس بر سر بحران هسته ای و کلا سیاست هسته ای و مذاکره حکومت در هیچ دوره ای به اندازه این دو سه روز گذشته حد و جدی نبوده است. علیرغم هر مخالفتی که باندهای حکومتی بر سر برجام داشتند، همگی پشت دولت و تیم مذاکره کننده هسته ای که اساساً مورد توافق خامنه ای بود، بخت شده بودند. الان این آرایش حکومتی نه تنها به هم ریخته، بلکه حتی نمی دانند در مذاکرات آتی چگونه و با چه ترکیبی باید ظاهر بشوند.

با این تصمیم مجلس بحران هسته ای حکومت وارد بن بست دیگری شده و چشم اندازی برایش وجود ندارد. در تحولی دیگر روز چهارشنبه شورای نگهبان طرح مجلس را تأیید کرد و قرار است مجلس و قالیباف روند اجرایی آن را به دولت و دستگاههای اجرایی اعلام بکنند.

در پس دعوای جناحی باندهای حکومتی در باره برجام و توافق هسته ای و ترور اخیر، اما معضلات و مسائل بسیار پایه ای تر قرار دارد که خبر از شکاف های عمیق در صفوف حکومت و در هم ریختگی تمام عیار آن دارد. این تحولات اخیر ادامه زمینه چینی برای مضحکه انتخابات ۱۴۰۰ رژیم می باشد. سرداران سپاه، نظامیان و کلا بیت رهبری سیاستهایش به سمت این جماعت شیفت کرده است. صفوف حکومتیان

ترس و وحشت از سرنگونی حکومت توسط انقلاب آتی مردم و پایان دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی و تروریسم اسلامی، امروز بیش از هر زمانی و در اوج بی افقی کامل حکومت، در برابر چشمان حاکمان قرار گرفته است. اینها احساس خطر کرده اند و فشار این جنبش از پانین اختلافات جناح های حکومتی را باز هم تشدید خواهد کرد. اختلافات اخیر تنها یک بروز علنی و آشکار فشار و سنبه پر زور جنبش سرنگونی را نیز به نمایش گذاشته است. کارگران و مردم ایران مترصد فرصی دیگر برای وارد کردن ضربه نهایی برای سرنگونی و به زیر کشیدن کل جمهوری اسلامی می باشند.*

به مراسم بیست و نهمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران خوش آمدید

با حضور و شرکت تعدادی از اعضا، کادرها و دوستداران حزب

و سخنرانی حمید تقوایی

یکشنبه ۶ دسامبر ۲۰۲۰، ۱۶ آذر ۱۳۹۹
ساعت ۱۸ اروپای مرکزی، ۲۰:۳۰ ایران



این برنامه بصورت پخش مستقیم از آدرسهای زیر در اینستاگرام، یوتیوب، فیسبوک و توییتر و همزمان بصورت صوتی در تلگرام پخش خواهد شد

sjkiran1 fb.com/cyo.sjk @jk_org @javanen.komonist @javanenkomonist

در اهمیت روز مبارزه با سانسور

حسن صالحی



دوازده سال از اعلام روز مبارزه با سانسور می گذرد. به ابتکار کانون نویسندگان ایران روز سیزدهم آذر بعنوان روز مبارزه با سانسور پایه گذاری شد. ابتکاری بسیار ارزنده که امر مبارزه با سانسور و کسب وسیع ترین آزادیهای سیاسی و مدنی را یکبار دیگر روی میز همه ما می گذارد.

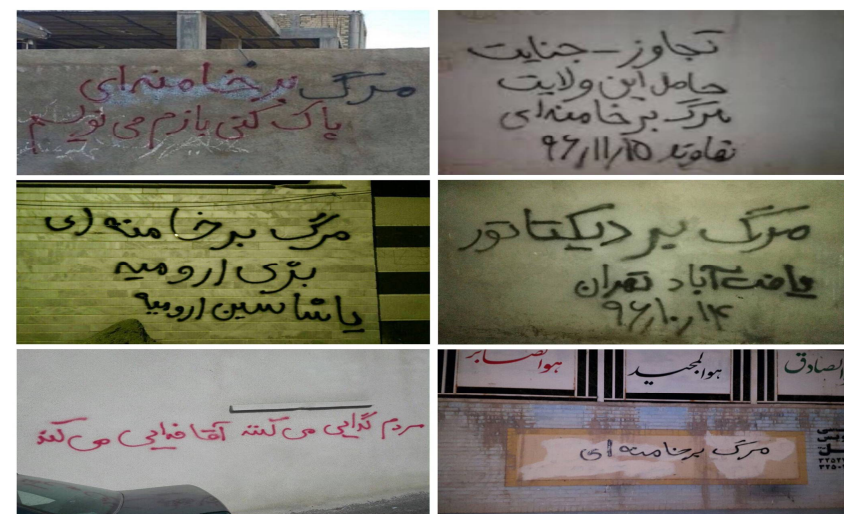
ایجاد سانسور در ایران بسیار گسترده است. از همان آغاز روی کار آمدن جمهوری اسلامی این رژیم ضد انقلابی و ارتجاعی با قمه به جان آزادیهای به دست آمده از انقلاب افتاد. در کنار حملات وحشیانه به کردستان و مردم ترکمن صحرا و احزاب سیاسی و اعدام کمونیستها و کشتار آزادیخواهان و حمله به زنان برای تحمیل حجاب اجباری، جمهوری اسلامی سانسور نوشته ها و پاکسازی مخالفان را از نهادهای آموزشی آغاز کرد. در اولین سال تحصیلی بعد از انقلاب در

مخالفین، اعدام اندیشه نو، محدود کردن استفاده از اینترنت، سانسور کتاب و فیلم، حذف واژه های غیر اسلامی، ممنوعیت تشکل و اعتراض و ده ها ممنوعیت دیگر نتوانسته است جامعه تشنه آزادی ایران را به انقیاد خود در آورد. نقل است که حکومتگران مستبد می خواهند با سانسور بر چشم و گوش مردم تسلط داشته باشند تا مردم آنچه را که حکومتها می خواهند با چشم خود ببینند و آنچه را که حاکمین می خواهند با گوش خود بشنوند. اما همینجاست که حکومت اسلامی شکست خورده است. اعلام یک روز ویژه از سوی کانون نویسندگان ایران بعنوان روز مبارزه با سانسور خود گواه این است که جامعه در مقابل سبعیت حکومت اسلامی در سرکوب آزادی بیان و اندیشه تسلیم نشده و مصمم است که موانع را در هم کوبد و به سوی آزادی و پیشرفت و ترقی گام بردارد. روز ۱۳ آذر بین دو روز خونینی است که محمد مختاری و محمدجعفر پوینده در جریان قتل های زنجیره ای حکومت در آذر ماه ۱۳۷۷ ربوده شدند و به قتل رسیدند. در واقع آنها جان خود را در راه آزادی بیان و اندیشه دادند. یاد اوری جان باختن آنها در روزی علیه سانسور فی نفسه معنایی جز این ندارد که جنگ جمهوری اسلامی علیه آزادی با مقاومت

مخالفین، اعدام اندیشه نو، محدود کردن استفاده از اینترنت، سانسور کتاب و فیلم، حذف واژه های غیر اسلامی، ممنوعیت تشکل و اعتراض و ده ها ممنوعیت دیگر نتوانسته است جامعه تشنه آزادی ایران را به انقیاد خود در آورد. نقل است که حکومتگران مستبد می خواهند با سانسور بر چشم و گوش مردم تسلط داشته باشند تا مردم آنچه را که حکومتها می خواهند با چشم خود ببینند و آنچه را که حاکمین می خواهند با گوش خود بشنوند. اما همینجاست که حکومت اسلامی شکست خورده است. اعلام یک روز ویژه از سوی کانون نویسندگان ایران بعنوان روز مبارزه با سانسور خود گواه این است که جامعه در مقابل سبعیت حکومت اسلامی در سرکوب آزادی بیان و اندیشه تسلیم نشده و مصمم است که موانع را در هم کوبد و به سوی آزادی و پیشرفت و ترقی گام بردارد. روز ۱۳ آذر بین دو روز خونینی است که محمد مختاری و محمدجعفر پوینده در جریان قتل های زنجیره ای حکومت در آذر ماه ۱۳۷۷ ربوده شدند و به قتل رسیدند. در واقع آنها جان خود را در راه آزادی بیان و اندیشه دادند. یاد اوری جان باختن آنها در روزی علیه سانسور فی نفسه معنایی جز این ندارد که جنگ جمهوری اسلامی علیه آزادی با مقاومت



جانانه ای روبرو بوده است. نهادها و ارگانهای متعددی که جمهوری اسلامی ظرف این سالها برای اعمال سانسور و کنترل جریان اطلاعات برقرار کرده است نتوانسته است از اشتیاق شهروندان به کسب حقیقت فراسوی مرزهای سانسور بکاهد. از سوی دیگر انقلاب انفورماتیک و رسانه های معاصر باعث شکسته شدن انحصار طبقات حاکم و دولتها بر رسانه ها شده است. امروزه با استفاده از تکنولوژی جدید و شبکه های اجتماعی در اینترنت، نقد نظری و سیاسی وضع موجود، تبادل نظر سیاسی، اشاعه افکار و آراء، تاثیرگذاری بر فضای سیاسی، به چالش کشیدن دولتها، شکل دادن به حرکت های اعتراضی توسط فعالین اجتماعی و متشکل شدن بخش های مختلف مردم بسیار آسانتر شده است. جمهوری اسلامی همواره نگرانی و هراس اش از اینترنت و مدیای اجتماعی را ابراز کرده است و در این زمینه نیز سانسور و محدودیتهای فراوانی اعمال کرده است. اما علیرغم این محدودیت ها، علیرغم بازداشت بلاگ نویسها و کاربران فعال، علیرغم فیلتر شدن شبکه های اجتماعی و سرعت پایین و کیفیت بد اینترنت، شهروندان به مصاف همه این محدودیت ها رفته اند و با استفاده از فناوری



دیوارها را از شعار علیه حکومت پر کنیم

دیوارها را از شعار علیه حکومت پر کنیم شعار نویسی، یک جنگ روانی و سیاسی علیه حکومت است آنرا گسترش دهیم.

گفته میشود که حداقل ۴۰ نفر بدلیل شعار نویسی در دو ماه اخیر زندانی شده اند. این قبل از هرچیز نشانه رشد شعار نویسی بویژه از دی ۹۶ به این طرف است. پاسخ دستگیری ها علاوه بر مبارزه برای آزادی عزیزان دستگیر شده از جمله الهام خمسه و میثم بهرام آبادی که اتهام دیوانه نویسی در زندان هستند، گسترش شعار نویسی

فاسد اسلامی را در هم شکست.*

از مدیای اجتماعی حزب

یک جنگ روانی و فردا با یک هجوم واقعی به مراکز سرکوب و فرماندهی جانیکاران، حکومت دزد و

یک تیم دو سه نفره در این جنگ شرکت کند. رژیم قاتلان را باید همه جانبه تحت فشار قرار داد و الان با

بیانیه‌ی کانون نویسندگان ایران به مناسبت ۱۳ آذر، روز مبارزه با سانسور

۱۳ آذر، روز مبارزه با سانسور گرمی باد



فرزندانش، عریان و خونین، چشیده و لمس کرده است. سال‌هاست که هنر و فرهنگ و زیبایی، رویروی چشمان ما سرکوب شده است و از این رهگذر تولیدات فرهنگی سانسور شده و بی‌یال و دم و اشکم، مخاطب خود را به شکلی روزافزون از دست داده‌اند. سال‌هاست که سیستم آموزشی، متکی به ارباب و سانسور و خودسانسوریست و در کنار این‌ها، حق اعتراض مردم نیز سرکوب و دامنه‌ی سانسور به کف خیابان کشیده شده است. با این همه، سال‌هاست که اینستاده‌ایم و سال‌هاست که در برابر سهمگین‌ترین سانسور و سرکوب تاریخ معاصر، به مبارزه‌ی خود برای دفاع از آزادی اندیشه و بیان ادامه داده‌ایم.

دوازده سال از اعلام ۱۳ آذر به عنوان روز مبارزه با سانسور گذشته است و اکنون رضا خندان (مه‌آبادی)، یکتاش آبتین از اعضای هیئت دبیران و کیوان باژن، عضو کانون نویسندگان ایران به دلیل تلاش برای مبارزه با سانسور به زندان افتاده‌اند و عضو دیگرمان؛ گیتی پورفاضل، به دلیل استفاده از حق آزادی بیان‌اش به حبس کشیده شده است. موضوع سانسور و مبارزه با آن، محدود به کتاب، مطبوعات یا فعالیت‌های هنری نیست و به همین

دلیل روز مبارزه با سانسور مختص نویسندگان و هنرمندان نبوده و هدف آن؛ همگرایی و ایستادگی تمام گروه‌ها و افرادی‌ست که مستقیم یا غیر مستقیم قربانی سانسور و سرکوب هستند. سانسور، تأمین کننده‌ی تاریکی مورد نیاز برای سرکوب است و این یعنی، سرکوب را می‌توان بی‌کم و کاست، شکل عینی و تحقق یافته‌ی سانسور دانست. بدین معنا، جامعه‌ی ما سال‌هاست که به شدیدترین وجه، تحقق سانسور را در حبس و شکنجه و اعدام و کشتار

جریان آزاد خبررسانی، اینترنت و مطبوعات آزاد، آزادی حق اعتراض و همچنین آزادی تمام زندانیان عقیدتی و سیاسی که در سیطره‌ی سانسور و سانسورچیان به بند کشیده شده‌اند.*

کانون نویسندگان ایران
۱۱ آذر ۱۳۹۹

کانون نویسندگان ایران، ضمن بزرگداشت ۱۳ آذر، روز مبارزه با سانسور، از عموم مردم به ویژه صاحبان قلم و اندیشه می‌خواهد تا در صف مبارزه با سانسور بایستند و یکصدا خواستار برچیدن بساط سانسور شوند. ما خواهان آزادی اندیشه و بیان و نشر بی هیچ حصر و استثنا هستیم، خواهان

به یاد شهلا جاهد، زن آزاده‌ای که به دست جمهوری اسلامی ایران اعدام شد!

مینا احدی



اول دسامبر ۲۰۱۰ ساعت ده بمن زنگ زد و گفت: مینا امروز آخرین روز است. گفت می‌خواهند همین امروز مرا اعدام کنند و من از این طرف خط گریه می‌کردم و او مرا دلداری میداد تو هر چه که توانستی انجام دادی...

فردا سالروز اعدام شهلا جاهد است. زنی شجاع و آزاده که اسیر یک حکومت پوسیده و وحشی و زن ستیز شد. او را تا می‌توانستند، شکنجه کردند، به نحوی که گفت هر کس بیاید این سیاهچالهای سیاه پاسداران همه قتل‌های عالم را به عهده می‌گیرد. او را زند و تحقیر کردند، یک قاضی بیمار و سادیست اسلامی او را تا پای چوبه دار برد و حتی بعد از اعدام هم دست از سر او برنداشتند و آمدند و در رسانه‌های حکومت نکبت اسلامی علیه او حرف زدند. چرا چون او محبوب قلبها شد. چرا... چون کمپینی که سازمان دادیم توجه میلیونها نفر را بخود جلب کرد. چرا... چون تا همین امروز تکلیف این پرونده روشن نیست و افکار عمومی در ایران با در صد بالایی فکر میکند شهلا قاتل نبود و او را قربانی کردند. قربانی حکومت انسان کش، قربانی مرد سالاری و قربانی هم دست و همراهی محمد خانی و خانواده مقتول با

سال ارتباط داشتم. از زندان زنگ میزد و با من درد دل میکرد، حرف میزد و آواز میخواند و بتدریج از راه دور شروع کرد به سازمان دادن زنان زندانی. دو بار به کمک او کنفرانس تلفنی داشتم با زنان محکوم به اعدام، او زنانی را که در معرض اجرای حکم اعدام بودند به من معرفی میکرد و در نهایت صبح زود روز

فردا دهمین سالروز اعدام شهلا جاهد است.

در خانه من یک بخش مقدس وجود دارد، بخشی که نامه‌ها و لباسها و یادگاریهای اعدام شدگان را خانواده‌های آنها برایم فرستاده اند...

با شهلا از همان اولین ماههای دستگیر شدن او آشنا شدم و با او سالهای



درون زندان و به کمک خانم شعله پاکروان این اسناد مهم به دست من رسیده است.

بگذارید اعتراف کنم که در خانه من یک بخش مقدس و مهم هست که در آن لباسهای ورزشی ریحانه جباری عزیزم، شال گردن و آخرین یادگاری‌های اعدام شدگان و همچنین نامه‌ها و دستخط‌هایی از زندانیان در آن هست، تا روزی بتوانیم اینها را در معرض دید عموم قرار دهیم.

امسال روز جمعه ۴ دسامبر برنامه‌ای ویژه در گرامیداشت شهلا جاهد بررسی پرونده او خواهیم داشت که بزودی فراخوان آنرا علنی خواهیم کرد. در اینجا یک ویدئو را پخش میکنم که آخرین حرفهای شهلا جاهد در آن هست که تا کنون بیش از هفت میلیون نفر آنرا دیده‌اند...

۳۰ نوامبر ۲۰۲۰

جانان اسلامی. بیخود نبود که حکومت محمد خانی را بعد از اعدام شهلا هم همچون قهرمان به رسانه‌های خود آورد و حتی دو هفته قبل همسر آخر محمد خانی هم می‌آید و علیه شهلا رجز می‌خواند.

همه میدانند که حکومت اسلامی ایران و دستگاه قضایی این حکومت دستگاه جنایت و آدم‌کشی هست و هیچ درجه از عدالت و کشف حقیقت در این دستگاه جهنمی نیست. شهلا قربانی شد اما اسمش در اذهان باقی خواهد ماند تا روزی که بعد از سرنگونی حکومت اسلامی زوایای پنهان این پرونده روشن بشود و مقامات حکومت اسلامی و قضایی جابری و بقیه جانان پای میز محاکمه کشانده شوند.

من بعنوان یک دوست شهلا افتخار اینرا دارم که اکنون نامه‌هایی از شهلا، شعرهایی از او و دستخط‌های او را داشته باشم. از

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید

ماهواره یاه ست

فرکانس : 11766

پولاریزاسیون : عمودی

سیمبل ریت : 27500

اف ای سی : 7/8



غذایی، اقلام بهداشتی مثل صابون و شامپو، لباس، نورابهداشتی، شیرخشک و پوشک برای کودکان، پتو، وسایل گرمایشی و همبسطور خوراک و علوفه برای دام هایشان نیاز دارند.

گفته می شود سامانه بارشی دیگری در روزهای آینده در خوزستان فعال خواهد شد و امکان طغیان رودخانه های اصلی وجود دارد و در صورت ادامه بارندگی ها، مردم مناطق بیشتری درگیر آبگرفتگی و مشکلات ناشی از آن خواهند شد.

در این میان که شهروندان زیادی در وضعیتی فلاکتناز بستر می برند میبینیم مقامات دزد و فاسد به جای آن که برای کمک به گرفتاران وارد عمل شوند، مدام در قلاب تلویزیون حاضر شده و همدیگر را متهم به کم کاری و بی توجهی می کنند و می گویند برای تعمیر و بازسازی زیرساخت های فرسوده موجود به منابع

سیل در خوزستان

دارند و فاضلاب نیز مشکلات فراوانی دارد و با کمترین میزان بارندگی، فاضلاب در نقاط مختلفی از شهرهای استان بالا می زند. اکنون به دنبال بارش های اخیر منازل مسکونی بسیاری در پانزده شهر خوزستان و دهها روستا به زیر آب رفته اند. تنها در اهواز که مرکز استان است دستکم پانصد واحد مسکونی دچار آبگرفتگی شده اند. وضعیت اما در شهرهای سرپندر و جراحی و ماهشهر بشدت اسفبار تر است. لوازم و اثاثیه زندگی خانه هایی که دچار آبگرفتگی شده اند کاملاً از بین رفته است. مردم این مناطق اکنون حتی جای مناسبی برای اسکان ندارند.

این شرایط در شهرهای رامشیر، ایذه و باغملک هم به همین گونه است. دهها روستا در مناطق اطراف شهر ماهشهر و منطقه نفتی غیزانیه در محاصره سیل قرار داشته و مردم به مواد

بارندگی های چند روز گذشته در خوزستان موجب شد تا مردم در بسیاری از شهرها و روستاهای این استان گرفتار شده و بر اثر آبگرفتگی و سیل متحمل خسارت های جدی شوند. در کنار معضلاتی چون بیکاری گسترده، فقر، ریزگردها و آلودگی هوا، نبود آب آشامیدنی سالم و بهداشتی و مشکلات عیدیه دیگری که در نتیجه سودجویی های سرمایه داری حاکم و دست اندرکاران مفتخور حکومتی گلوی مردم خوزستان را میفشارد؛ همه ساله با شروع بارندگی ها وقوع سیل در روستاها و آبگرفتگی معابر و منازل شهری، جان و زندگی مردم را به مخاطره می اندازد.

معضل آبگرفتگی شهرهای خوزستان به دلیل ناتوانی در مدیریت آبهای سطحی، معضلی قدیمی است. کانال ها و آبراهه ها نیاز به بازسازی و توسعه

گرفتن تجارب سیل سال گذشته لازم است کمیته ها و شوراهای مردمی دوباره فعال شده و به کمک مردم آسیب دیده بشتابند.

باید وسیعاً به وضعیت موجود اعتراض کرده و با اعتراضات مان حکومت را وادار به اسکان مناسب شهروندان و روستاییان سیل زده و همچنین پرداخت کامل خسارت های مردم زیان دیده نمود.*

مالی بیشتری نیاز دارند. بودجه هایی که با این بهانه جذب می کنند اما در جاهای دیگر به جز نیازهای مردم حیف و میل و هزینه می شود.

این خاصیت و ویژگی اصلی همه مقامات مفتخور و فاسد این نظام است که نسبت به وضع معیشت مردم بی تفاوت بوده و در مواقع بحران با فرافکنی از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی کرده و مشغول غارت و چپاول هستند. در چنین شرایطی و با در نظر

کمیته سازمانده واحد خوزستان

رجزخوانی حکومتی ها



درماندگی و استیصال

از مدیای اجتماعی حزب حکومت خود را آماده کند.

نه ضروری و گفته است که مجلس به نظرات دولت توجهی نکرده است. پشت رجزخوانی ها تشدید دعاواها است. دارند گلی هم را میجویند. قرار بود علیه اسرائیل متحد شوند و انتقام سخت بگیرند اما بلافاصله مقاماتی انتقام سخت را تکذیب کردند و پس از ۲۴ ساعت علیه هم قانون وضع میکنند و تهدید به زندانی کردن مقامات میکنند. این وضعیت واقعی حکومت است که ریشه در بحران عمیق اقتصادی و سیاسی دارد. وصف حال حکومتی است که به آخر خط میرسد و در گل گیر میکند. ما بارها گفته ایم که حکومتی با این مشخصات قادر به ارباب جامعه و عقب راندن مردم نیست. جامعه باید برای به زیر کشیدن سر تا پای این

رجزخوانی علیه اسرائیل بلافاصله به

تهدید خود حکومتی ها تبدیل شد،

درماندگی، استیصال،

بی افقی و تشدید شکاف در بالا

تری برای مذاکره هستند. از آنطرف مجلس کلیات طرح "اقدام راهبردی برای لغو تحریمها و صیانت از منافع ملت ایران!" را به تصویب رساند که بر اساس آن، برخی تعهدات هسته های ایران کاهش و افزایش غنی سازی اورانیوم افزایش می یابد و مقامات دولتی را تهدید کرد که اگر از اجرای این قانون تخطی کنند، مشمول مجازات حبس و انفصال از خدمات دولتی خواهند شد. در مقابل ربیعی سخنگوی دولت گفته است این طرح نه مفید است

یک ویژگی مهم همه حکومت هایی که در سرانجام سقوط قرار میگیرند این است که با هر واقعه ای شکاف در میان آنها شدت میگیرد. یکی از مقاماتش را زده اند و بجز مشتکی رجزخوانی و شعار دادن در مجلس، آنچه از همه چیز برجسته تر است دندان نیز کردن به روی همدیگر است. ظرفیت در مصاحبه ای اصولگرایان را متهم کرد که دارند به آمریکا گرا میدهند که دولت روحانی رفتنی است و اصولگراها طرف مناسب



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiran.org



کارگران، معلمان، پرستاران و همه مردم تحت ستم و آسیب دیده، پای حرف آبان مان ماندیم و حرف آخر را همان اول زدیم: "تغییر ریشه‌ای در تمام مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی؛ فوراً و بدون هیچ تخفیفی".

پس از آبان ۹۸ دیگر اوضاع متفاوت‌تر بود، در دانشگاه‌ها نه بسیج و حراست و کمیته‌های انضباطی کنترل سابق را داشتند و دارند و نه در جامعه توپ و موشک و تانک و مسلسل می‌توانست رعب و وحشت مطلوب حافظان نظم موجود را تامین کند. در جامعه پاسخ به تشدید سرکوب‌ها را دیگر با شعار "توپ تانک مسلسل، هرگز اثر ندارد" داده بودند. این را پیشروی روزانه جامعه‌ی معترض می‌گوید؛ این را حضور دائم دانشجویان مستقل از حاکمیت در دانشگاه‌ها می‌گویند، اعتصاب کارگران هفت تپه و مراکز نفتی و پتروشیمی‌ها می‌گوید و شدت بالای نفرت و انزجار عمومی بی‌تأثیری توپ و تانک و مسلسل در مقابل خشم و قدرت زیر و رو کننده مردم را فریاد می‌زند.

حضور دانشجویان بویژه طی یک سال گذشته که خط و نشان کشیده و می‌کشد در بزنگاه‌های تاریخی، نقش کلیدی و پیشبرنده دانشجویان را تصویر کرده است؛ این را می‌توان در جریان اعتراضات دی ماه ۹۸ دید. دادخواهی از یک عمل شنیع و ضد انسانی، آنهم در جامعه‌ای که هم داغدار و هم خشمگین از قتلگاه "آبان خونین" است، مورد استقبال وسیع مردم قرار گرفت و اعتراضات سراسری دیماه بخاطر شلیک عمدی به هواپیمای اوکراینی که باعث قتل عام مسافران این هواپیما شد و جنایتی دیگر را رقم زد.

در این یکسال همزمان با پیشروی وسیع بخش‌های مختلف جامعه، دانشجویان نیز همچنان جلو آمده‌اند و در رویارویی‌های دیگری از جمله تحریم

بیانیه به مناسبت ۱۶ آذر ۹۹؛ دانشگاه زنده است

(بیانیه تشکل‌ها و گروه‌های کارگری، دانشجویان،

فارغ‌التحصیلان بیکار، ورزشکاران و فعالین دفاع از حقوق کودکان به مناسبت ۱۶ آذر ۹۹)

تاریخ مبارزات دانشجویان در ایران همانند سایر جنبش‌های اعتراضی جامعه، طی ۴۲ سال گذشته مملو از سرکوب، زندان، قتل، کشتار، زندان و شکنجه و تبعید دانشجویان معترض و آزادی‌خواه توسط حاکمیت بوده است.

کشتار فجیع دانشجویان و اساتید خلاف جریان، سکولار، چپگرا و آزادی‌خواه در دانشگاه‌ها در جریان اقدام جنایتکارانه پاکسازی دانشگاه‌ها تحت نام "انقلاب فرهنگی" در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲، کشتار دانشجویان و از بام ساختمان‌ها پرت کردن آنان در جریان کوی دانشگاه در تیرماه سال ۷۸، مقاطعی در تاریخ مبارزات دانشجویان است که توسط حاکمیت به این جنبش مبارزاتی خون‌پاشیده شده است. علاوه بر این کشتارها، صدها دانشجوی دیگر بازداشت، شکنجه و زندانی شده‌اند و افراد زیادی سر به نیست شده‌اند که هنوز هم خانواده‌هایشان مانند خانواده سعید زینالی ده‌ها سال است منتظر بازگشت و یا کسب خبری از فرزندان‌شان هستند.

دانشجویان همواره بخشی از کل جنبش اعتراضی بوده و در میدان مبارزه علیه سرکوب، واپسگرایی، تبعیض به هر شکل آن، استثمار، فقر، گرسنگی، بیکاری، زندان و شکنجه و اعدام نقش برجسته داشته‌اند.

در مبارزات علیه وضعیت موجود در کنار بخش‌های دیگر جامعه من جمله مبارزات و اعتراضات و اعتصابات کارگران فعال بوده و به‌ویژه با براه انداختن اعتصاب و تحصن در

حمایت از اعتصاب قدرتمند کارگران هفت تپه و فولاد اهواز با شعار "فرزند کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم" در سال ۹۷، این همبستگی را بارها اعلام کرده‌اند.

دانشجویان از جمله بخش‌های فعال در خیزش آبان ۹۸ و رخدادهای سیاسی و اجتماعی بعد از آن بوده‌اند. سالی که اگر بخواهیم یک نام مناسب برای آن انتخاب کنیم، می‌توانیم از عناوین شورانگیز و پرافتخاری یاد کنیم؛ سال مبارزه علیه سرکوب، علیه نابرابری، علیه جنایت، علیه فقر و گرانی و بیکاری، علیه بی‌حقوقی چندین میلیون انسانی که برخاستند و تغییر کل وضعیت ضدانسانی موجود را فریاد زدند و مطالبه کردند. طی این یک سال گذشته، اعتراضاتی که تمام جامعه در آن به تکاپو درآمد تا ترس در جان آنان که خون مردم را در شیشه کرده‌اند بیاندازند، به تنهایی بیانگر این بود که جامعه چه چیزی را نمی‌خواهد و چه می‌خواهد. هنوز به خاطر داریم که در جریان اعتراضات آبان و در ادامه، چه اهدافی آماج اعتراض معترضین قرار می‌گرفت و چگونه نمادها و مکان‌های ظلم و استثمار در آن روزها مورد اعتراض قرار گرفت.

پس از آن و با توجه به خیل خون عزیزانمان در خیابان بود که دانشجویان مدافع برابری، سکولاریسم، مدرنیسم، انسانیت و آزادی، ۱۶ آذر را بدل به صحنه دادخواهی آن کردند؛ همگام با خانواده‌های جانب‌اختگان آبان از نیزارهای ماهشهر تا خیابان‌های تهران، از شیراز و اصفهان و تبریز و ارومیه و سنندج و کرمانشاه تا زاهدان و بندرعباس تا اهواز و مشهد و ... همه و همه را مرور کردند و گفتند: "آبان ادامه دارد".

۱. تشکل مستقل دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان
۲. جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه بهشتی تهران
۳. جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه علامه تهران
۴. جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه فردوسی مشهد
۵. جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه‌های هنر تهران
۶. جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه آزاد نجف آباد اصفهان
۷. جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
۸. جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه الزهرا تهران
۹. جمعی از دانشجویان و فعالین دانشگاه پیام نور تهران جنوب
۱۰. انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه
۱۱. سندیکای نقاشان البرز
۱۲. فعالین کارگری سقز
۱۳. فعالین لغو کار کودکان
۱۴. ورزشکاران رزمی کار کرمانشاه
۱۵. فارغ‌التحصیلان رشته شیمی دانشگاه رازی کرمانشاه
۱۶. کارگران پتروشیمی سیلان عسلویه
۱۷. کارگران پتروشیمی جم عسلویه
۱۸. کارگران پتروشیمی بوشهر عسلویه
۱۹. کارگران پتروشیمی صدف عسلویه
۲۰. کارگران پتروشیمی دماوند عسلویه

۱۳ آذر ۹۹



"مبنای انقلاب کارگری بشریت است، مبنای آزادی کارگر بشریت است، و مبنای مارکسیسم آزادی بشریت است". منصور حکمت

شانزده آذر، روز نه به جمهوری اسلامی!

دانشگاه همواره یک سنگر نبرد تنگاتنگ جدال جامعه با جمهوری اسلامی و ستم طبقاتی بوده که پرچم آزادیخواهی، برابری‌طلبی، مدرنیسم و رادیکالیسم در آن دوره به دوره افراشته شده است. شانزده آذر یکی از نقاط عطف مبارزات دانشجویان مدافع برابری و آزادی بوده که همچون بلندگوی سیاسی جامعه، اعتراض به وضعیت موجود را فریاد زده و مطالبات دانشجویان و ۹۹ درصدیهای جامعه را نمایندگی کرده است.

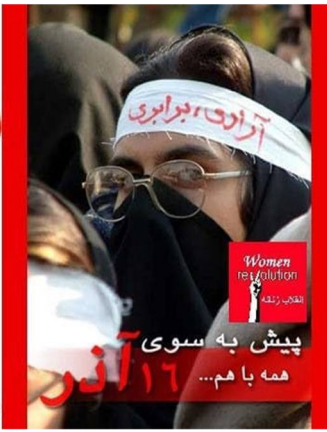
۱۶ آذر امسال اما در شرایطی متفاوت از سالیان گذشته فرا می رسد؛ شرایطی که در آن جامعه ایران در دوره پسا آبان ۹۸، قرار گرفته؛ دوره ای که توازن قوای میان مردم و حکومت، قطبی‌ترین حالت خود نسبت به دوره های گذشته را تجربه می کند؛ دوره ای که در آن جمهوری اسلامی سرتا پا در بحرانهای عمیق اقتصادی سیاسی اجتماعی که خود مسبب آنست در داخل و در عرصه بین‌المللی فرو رفته و اتفاقا هر تقلاش برای گذار از آنها برایش به بحرانی عظیمتر تبدیل می‌شود؛ و در طرف دیگر، مردمی که به تنگ‌آمده از فقر و فلاکت و تورم و

بیکاری و بی‌حقوقی و سرکوبها، در تلاش برای عملی کردن خواسته خود که نابودی جمهوری اسلامی، به واسطه یک انقلاب عظیم اجتماعی هستند. دانشجویان در کنار مبارزات کارگران، زنان، معلمان، بازنشستگان، رنگین‌کمانیها و ۹۹ درصدیهای جامعه برای سرنگونی جمهوری اسلامی نقش ویژه و تعیین کننده‌ای داشته‌اند و رویدادهای سال گذشته به خوبی نشان می‌دهد که دانشجویان سراسر کشور چگونه و تا چه میزان در تغییر معادلات و شرایط سیاسی جامعه دخالتگر و تاثیرگذار بوده‌اند:

از نقش دانشجویان در خیزش سراسری آبانماه ۹۸ گرفته که در شهرهای مختلف کشور سازماندهی اعتراضات محلی بودند، تا مراسم ۱۶ آذر که پرچم دادخواهی کشته‌شدگان آبان و نیز مطالباتی پیشرو و رادیکال و سرنگونی طلبانه را که جامعه در آن فریاد زده بود، برافراشتند؛ از اعتراضات سراسری دیماه ۹۸ گرفته که دانشجویان در صفوف اول مبارزات و در سطح سازماندهی آن ظاهر شدند به صورتی که شعار "جمهوری اسلامی نابود

مجدد حجت پناه منتظری درگذشت! دوست و یار دیرین مان، مجید حجت پناه منتظری پس از سالها جدال با بیماری سرطان، پنجشنبه ۶ آذر در سن ۶۳ سالگی در کرج درگذشت. مجید پس از انقلاب ۵۷ فعالانه علیه تبعیض و بی عدالتی ها مبارزه کرد و بعد از تشکیل اتحاد مبارزان کمونیست به صفوف این سازمان پیوست. او در سال ۶۱ در اصفهان دستگیر و بنحو وحشیانه و بی رحمانه ای شکنجه شد.

وی در سال ۶۶ و پس از تحمل پنج سال حبس و فشارهای طاقت فرسای زندان در آن دوران، آزاد شد، اما پس از آزادی نیز



اسلامی نمایندگی شود؛ خواست آزادی فوری همه دانشجویان دربند و زندانیان سیاسی و لغو فوری مجازات اعدام، خواست تامین فوری معیشت و حقوق بالای خط فقر، لغو فوری حجاب اجباری و آپارتاید جنسیتی و ریشه‌کن شدن تمامی تبعیضات علیه زنان و رنگین‌کمانیها، برخورداری از آموزش و درمان رایگان و باکیفیت برای همه، آزادی بیان و حق ایجاد فعالیت متشکل و متحزب برای همه افراد جامعه از جمله دانشجویان، خواست محاکمه آمرین و عاملین جنایات سازمان‌یافته حکومتی علیه مردم ایران و بایکوت سیاسی و دانشگاهی جمهوری اسلامی در عرصه‌های بین‌المللی، لذا، شانزده آذر به عنوان یک مناسبت اعتراضی در فضای سیاسی ایران، روز همه دانشجویان، زنان،

کارگران، جوانان، معلمان، بازنشستگان، رنگین‌کمانیها، پرستاران، آتئیستها و سایر ۹۹ درصدی‌های جامعه‌ای است که از این شرایط خسته شده‌اند. در این روز باید رو به جمهوری اسلامی فریاد زد که آبان و آرمانهای آن با قدرت ادامه دارد و به هر شکل ممکن در شبکه های اجتماعی و در سطح شهر و محله ها اعتراض خود را علیه این حکومتی که مسبب نابودی میلیونها زندگی است اعلام کرد.*

جمهوری اسلامی نابود باید گردد

زنده باد آزادی و برابری، زنده باد سوسیالیسم

سازمان جوانان کمونیست

**۱۱ آذر ۱۳۹۹
۱ دسامبر ۲۰۲۰**

ویرانگری جمهوری اسلامی و تباہ کردن زندگی یک نسل از انقلابیون آن دوران بعنوان سیاه ترین بخش کارنامه حکومت فراموش نخواهد شد. ما تعدادی از یاران و همسنگران مجید از دورانی که دوش بدوش هم علیه تبعیض و بی عدالتی سالها در کنار هم بودیم، یاد عزیز و مهربانش را گرمی میداریم و به همسر و فرزندان و فرزندان و همسنگران و دوستانش، در گذشت او را صمیمانه تسلیت می‌گوییم.

از طرف جمعی از دوستان و یاران مجید خلیل ایرانیپور (خ کیوان)

بواسطه محرومیت هایی که به زندانیان سیاسی تحمیل میکردند، او نیز با سختی ها و دشواری هایی بسیار مواجه شد. همسر و فرزند خردسالشان نیز بواسطه زندانی بودن او سالهای بسیار سختی را گذراندند و تحت محرومیت ها و فشارهای بسیار قرار داشتند. تبعات ویرانگر و غیرقابل بازگشت سرکوب های سبعانه دهه ۶۰ زندگی صدها هزار فعال سیاسی و خانواده های آنها را از روند نرمال جامعه متفاوت کرد. نتایج زیانبار آن سرکوب ها تا پایان عمر همراه زندانیان سیاسی و خانواده های آنها باقی میماند.

یاری دیگر از میان ما رفت مجید حجت پناه منتظری درگذشت!





۴- کاظم نیکخواه، مسئول روابط بین المللی کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۵- عبدالله اسدی، دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

۶- بابک یزدی، از بنیانگذاران خاوران

۷- هرمز رها، مسئول کمپین بین المللی علیه اعدام

۸- نیما سروسستانی، فیلم

ساز مستند ایرانی

۹- ماریا رشیدی، فعال حقوق زن در سوئد و رئیس نهاد دفاع از حقوق زنان

۱۰- صابر رحیمی، عضو فری دم ناو در نروژ

۱۱- عباس ماندگار عضو فری دم ناو در ونکوور - کانادا

۱۲- سیامک زارع عضو فری دم ناو در آلمان

۱۳- طه آزادی عضو فری دم ناو در آلمان

۱۴- امینه کاکه باوه نماینده پارلمان سوئد

۱۵- مینا احدی، سخنگوی کمپین بین المللی علیه اعدام و فعال دفاع از حقوق زن

۱۶- پریسا پوینده، مسئول کمپین مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۱۷- مراد شیخی فعال سیاسی و مربی بین المللی کشتی

۱۸- شیوا محبوبی، سخنگوی کمپین مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۱۹- شعله پاکروان، مادر ریحانه جباری از جنبش دادخواهی

۲۰- سیما بهاری، عضو ستاد مبارزه مردمی با کرونا در ایران

۲۱- حسن صالحی، سخنگوی کمپین بین المللی علیه اعدام

۲۲- میترا بابک دکتر روانکاو و پژوهشگر، فعال علیه اعدام. فعال حقوق بشر و حقوق حیوانات

۲۳- داریوش معمار (شاعر- روزنامه نگار) فعال

۲۴- امیر نیلو، فعال سندیکایی

۲۵- یوران گوستاوسون، عضو اتحادیه کارگران شهرداری سوئد

۲۶- حسین افصحی دبیر کانون نویسندگان در تبعید

۲۷- حسن پویا از بنیانگذاران کانون خاوران

۲۸- سپهرداد گرگین شاعر و نویسنده ی متعهد

۲۹- دوین رکسوید، محقق مسائل مربوط به خشونت های ناموسی

۳۰- بهنام ابراهیم زاده، فعال جنبش کارگری و دفاع از حقوق کودک

۳۱- مسعود ارزنگ مسئول روابط عمومی فری دم ناو در کانادا

۳۲- فریبا راد فعال حقوق

گرفت و در همان هنگام ناگزیر به برکناری مدیر کل اداره کار استان آذربایجان غربی شدند.

علاوه بر این موارد متعددی را شاهد بوده ایم که زنان و جوانان معترضی که علیه قوانین ارتجاعی اسلامی

خود را کنار زدند، با مجازات شلاق پاسخ گرفته اند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی با اعلام انزجار خود به این توحش

و بربریت از همگان میخواهد که با گذاشتن امضای خود در زیر این نامه به کارزار اعتراض

علیه زدن شلاق بر داود رفیعی بپیوندند. ما در این کارزار برخواستهای فوری زیر تاکید داریم:

۱- جمهوری اسلامی، نماینده مردم ایران نیست، سرکوبگر و قاتل مردم ایران است. این حکومت شلاق و زندان و اعدام باید در سطح جهان بایکوت شود. این رژیم که ناقض اولیه ترین حقوق شهروندی مردم است

باید از تمام مراجع بین المللی از جمله سازمان جهانی کار اخراج شود.

۲- شلاق این مجازات شنیع دوران توحش باید کلاً ممنوع گردد.

۳- تمامی احکام زندان و شلاق برای کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی باید لغو و پرونده های امنیتی آنها باطل شود.

زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

۴- ما حمایت همه جانبه خود را از داود رفیعی اعلام کرده و او باید فوراً بسر کار خود بازگردد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (Free Them Now!) <https://free-them-now.com>

۷ آذر ۹۹، ۲۷ نوامبر ۲۰۲۰

امضاء ها:

۱- شهلا دانشفر، سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲- نهمینه صادقی، عضو کمپین همبستگی بین المللی اتحادیه کارگران خدمات عمومی در بریتیش کلمبیا و کمپین برای آزادی کارگران زندانی در کانادا

۳- جان کلارک از سازماندهندگان کمپین علیه فقر در انتاریو

در محکومیت اجرای حکم شلاق داود رفیعی

جمهوری اسلامی باید در سطح جهان بایکوت شود

مورد پیگرد فرار گرفت. به خاطر محبوبیت بسیاری که او در میان کارگران دارد بارها از سوی مدیران فاسد و رانت خوار پارس خودرو

همچنین وزیر کار به او پیشنهاد چند میلیون تومان رشوه داده شد تا خود را از اعتراضات کارگران کنار بکشد، ولی داود رفیعی به آن تن نداد و استوار در کنار کارگران ایستاد. او

چندین بار به بهانه های مختلف و از جمله در روز جهانی کارگری بازداشت شده و بعداً با قید وثیقه آزاد شده است. داود رفیعی در

اعتراض به اخراج خود از کارخانه چندین بار اقدام به تحصن در مقابل ساختمان وزارت کار در تهران کرد. در این اعتراضات او با گرفتن پلاکاردی بدست از

اینکه علی ربیعی برای وادار کردن وی به سکوت به او پیشنهاد رشوه دوپست

میلیون تومانی داده، پرده برداشت. او در برابر تعرضی که به زندگی و معیشتش شده بود، اعتراض خود را با پلاکاردی دیگر که بر

رویش نوشته شده بود مرگ بر ربیعی وزیر کار شدت داد.

این جرم داود رفیعی است! او را به دلیل افشاگری علیه وزیر کار و به دلیل اعتراض به اخراج و دفاع از حقوق کارگران شلاق زده اند. این حکومت اسلامی ایران است.

شلاق این شکل نفرت انگیز مجازات های اسلامی، جزئی از سیستم قضایی جمهوری اسلامی است. قبلاً نیز در مورد ۱۷ کارگر معدن آق دره احکام شلاق اجرایی شد و با موجی از اعتراض پاسخ

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now!) با اعلام انزجار از شلاق زدن به تن داود رفیعی کارگر معترض پارس خودرو، کارزاری را در محکومیت حکومت

کثیف اسلامی اعلام کرده است. این کارزار بر خواستهای فوری ای تاکید کرده و بایکوت جهانی

رژیم جمهوری اسلامی، این رژیم آپارتاید جنسی و ضد کارگر، این رژیم شلاق و اعدام و سرکوب و

خنایب در سطح جهانی و لغو مجازات شنیع شلاق را دنبال میکند. شماری از چهره های شناخته شده

سیاسی- اجتماعی و فعالین و رهبران اتحادیه های کارگری و نهادهای انساندوست در سطح بین المللی با امضای پتی شن

منتشر شده از سوی فری دم ناو با این کمپین اعلام همبستگی کرده اند و همگان را به پیوستن به این

کارزار فرا میخوانند. با امضای این طومار به کارزار علیه حکومت شلاق بپیوندید. متن را در زیر میخوانید:

روز ششم آبان جمهوری اسلامی داود رفیعی کارگر اخراجی پارس خودرو را به جرم اعتراض به اخراج و بیکاری و فقر، ۷۴ ضربه شلاق زد. جمهوری اسلامی این حکومت شلاق و زندان و اعدام باید در سطح جهانی بایکوت

سیاسی شود. داود رفیعی از کارگران شناخته شده کارگری است. او در جریان اعتراضات کارگران پارس خودرو به اخراجها از کار بیکار و به جرم دفاع از همکاریاش



بشر ۳۳- مهرداد امیری فعال سیاسی

۳۴- رضا مریدی وزیر سابق کالج و دانشگاه های انتاریو

۳۵- عطا هودشتیان استاد دانشگاه در تورنتو

۳۶- عزت مصلی تژاد کارشناس ارشد سازمان کاتادایی پشتیبانی از قربانیان شکنجه

۳۷- فریده آرمان، فعال دفاع از حقوق زن

۳۸- شیرین شمس از مسئولین انقلاب زنانه

۳۹- سعید چوبک مسئول موسسه فرهنگی سرای بامداد

۴۰- شیرین مهرید خواننده و هنرمند مردمی

۴۱- شهناز مرتب عضو هیات مدیره انجمن خانواده های جانباختگان هواپیمای اوکراینی

۴۲- فرزاد صیفی کاران، روزنامه نگار و نویسنده

۴۳- بنفشه زند، مدافع حقوق بشر و محقق

۴۴- سللیا استابیس، عضو عفو بین الملل

۴۵- Wade Christian L. مدافع حقوق بشر

۴۶- مسعود راد فعال سیاسی

۴۷- پیتر تاتچل، مدیر بنیاد پیتر تاتچل

۴۸- کریس مورلی، حامی حقوق بشر

۴۹- کیوان جاوید، مدیر تلویزیون کانال جدید

۵۰- شاپرک شجری زاده، عضو مرکز حقوق بشر رانول والنبرگ و شورای انتقال ایران

۵۱- دامون نورانی خجسته (نوازنده ویلن و عکاس)

۵۲- آرش اشرف زاده (فعال سیاسی)

۵۳- جواد نیشابوریان (فعال سیاسی)

۵۴- رضا کاه کش (فعال سیاسی)

۵۵- شهرام نجفی نویسنده

۵۶- سمیر نوری، سازمان لغو مجازات اعدام در عراق

۵۷- رضا رشیدی، فعال کارگری و دفاع از حقوق کارگر

۵۸- فاطمی محمدی هنرمند

۵۹- لیلیا فرجی، از اعضای خانواده های دادخواه

ادامه در صفحه ۱۱

آغاز دور جدید اعتراضات کارگران فولاد اهواز

روز سه شنبه یازدهم آذر ماه کارگران گروه ملی فولاد در اهواز در ادامه اعتراضات قبلی خود، دست به تجمع و اعتراض زدند. در تجمعی که بدنبال فراخوان روز گذشته کانال تلگرامی کارگران برگزار شد، بیش از دویست نفر از کارگران شرکت کردند و بر خواسته‌های خود تاکید کردند و اعتراض خود را به اجحافات به این شکل اعلام کردند.

اعتراض به:

- ۱- عدم پرداخت تعطیل کاری ایام کرونا
- ۲- عدم پرداخت حق فنی به همه کارگران
- ۳- عدم پرداخت بدی اب و هوا
- ۴- تقلب در آزمون استخدامی و عدم شفافیت سازی در استخدام ها
- ۵- عدم تایید جایگاه ها و عناوین شغلی
- ۶- عدم رعایت عدالت و انصاف و تبعیض در اضافه کار و پاداش .
- ۷- نبود برنامه مشخص برای ورود مواد اولیه و سطح ظرفیت تولید .
- ۸- نا کارامدی بیمه نوین و پرداخت های دارو ودر مان از جیب پرسنل
- ۹- پایین بودن دستمزد کارگران

در این تجمع یوسفی مدیرعامل گروه ملی فولاد در جمع معترضین حضور یافته و پاسخ به مطالبات کارگران را به سال آینده موکول کرده است. به گفته یوسفی مطالبات و خواسته های کارگران به حق است اما شرکت در وضعیت مناسب مالی نیست که بتواند همه آنها را برآورده سازد و در سال جدید اگر شرایط تولید بهبود پیدا کند به مطالبات شما پاسخ خواهیم داد. صحبت های مدیرعامل و قائم مقام او نه تنها کارگران را قانع نکرده بلکه بر خشم و عصبانیت کارگران افزود بطوریکه درگیری مختصری بین تعدادی از کارگران و محمدی قائم مقام مدیرعامل ایجاد شد که با دخالت نیروهای حراست حاضر در تجمع خاتمه می یابد.



کارگران فولاد اهواز حمایت کنید و صدای آنها را وسیعاً رسانه ای کنید.*

پیش بسوی اعتصابات سراسری

پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ آذر ۱۳۹۹
۱ دسامبر ۲۰۲۰

کارگران معترض فولاد گفته اند تامین منابع مالی برای خواسته هایمان وظیفه مدیریت است و ما از پیگیری مطالباتمان کوتاه نخواهیم آمد.

اشاره کنیم که کارگران فولاد اهواز در سال ۹۷ نیز به یک اعتصاب متحدانه و قدرتمند دست زدند و به شرایط برده وار کار اعتراض کردند. فعالانه از اعتراضات و خواسته‌های

کنفرانس ارائه شد.

سایر اعضای کمیته کردستان نیز در باره گزارش و عرصه های تحت مسئولیتشان صحبت کردند.

مبحث دوم کنفرانس نقشه عمل فعالیتهای دور آتی کمیته کردستان بود. در این قسمت کنفرانس حمید تقوایی درباره مند اجتماعی شدن حزب در کردستان و شیوه فعالیتهای کمیته کردستان سخنرانی کرد. بدنبال آن حاضرین در کنفرانس و نسان نودینیان دبیر کمیته کردستان به بحث حول اولویت های دور آتی پرداختند و به جوانبی از فعالیت هایی که باید مورد تمرکز قرار گیرد پرداختند. حضور موثرتر در مبارزات و اعتراضات اجتماعی و تحکیم رابطه حزب با فعالین اعتراضات، تلاش نقشه مند برای سازماندهی کمیته های محلات و فراهم کردن ملزومات دخالت توده مردم در محلات و استفاده موثر و متمرکز از مدیای اجتماعی، عرصه هایی از فعالیت که کمیته کردستان

اطلاعیه برگزاری کنفرانس شورای کادرهای کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

خیزش آبان ۹۸، اعتراضات مردم در شهرهای کردستان علیه بیکاری و در محکومیت کشتن کولبران و مبارزات مردم در شهرهای کردستان و بویژه سنندج علیه آلوده بودن آب شرب و در مریوان علیه جاده های ناامن و تاثیرات تشکیل کمیته های محلات با شروع کرونا و همبستگی مردم در مبارزه علیه اعدام، مبارزات کارگران شهرداری، مراسمهای روز جهانی کارگر، روز جهانی زن و فستیوال آدم برفی ها و فستیوال بادبادک از جمله نکاتی بود که در این گزارش مورد اشاره قرار گرفت. علاوه بر موارد و عرصه هایی که در گزارش کمیته به کنفرانس اشاره شد، نقد و افشای مواضع، دیدگاهها و عملکرد احزاب و نیروهای ناسیونالیست کرد نیز در گزارش به

در بیست و یکم نوامبر کنفرانس شورای کادرهای کمیته کردستان با حضور شصت نفر از اعضای شورای کادرها و مهمانان بصورت آنلاین- ویدیویی برگزار شد.

کنفرانس با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، یاد منصور حکمت عزیز و بهروز مهربادی عزیز و بانو مخبر عزیز شروع شد و سپس نسان نودینیان دبیر کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری گزارش فعالیتهای کمیته کردستان را ارائه داد. در این گزارش محورهای فعالیت کمیته کردستان در چند سال گذشته مورد بررسی قرار گرفت. اعتصاب عمومی ۲۱ شهریور ۱۳۹۷، اعتصابات معلمان در سالهای ۹۶ و ۹۷، حضور فعال مردم کردستان در



کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

در چند سال گذشته بر روند سازماندهی و متحد کردن مردم تاثیرات قابل توجهی داشته است، فعالیت نقشه مند در ارتباط با کارگران شهرداری، جوانان و دانشگاه ها در مبحث اولویتهای مورد بحث قرار گرفت.

عبدل گلپریان، بهنام گله داری، عزیزالله لطفی، یدی محمودی، شاهرخ نقدی، نسان نودینیان، ستار نوریزاد و رحیم یزدانپرست.

کنفرانس به مدت چهار ساعت و در فضایی ریلاکس، گرم و صمیمانه پایان رسید.

بدنبال کنفرانس نسان نودینیان و عبدل گلپریان برای دبیری کمیته کردستان کاندید شدند. نسان نودینیان بعنوان دبیر کمیته کردستان انتخاب شد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱ دسامبر ۲۰۲۰
۱۱ آذر ۱۳۹۹

در مبحث انتخابات ۱۳ نفر کاندید عضویت در کمیته کردستان شدند و اکثریت اعضای شورای مرکزی در انتخاباتی که همیشه بصورت مخفی صورت میگیرد در رای گیری شرکت کردند. رفقای زیر به عضویت کمیته کردستان انتخاب شدند: طه آزادی، مینا بهروزی، شیرزاد چوپانی، سلیمان سیگارچی، هه ژار علیپور،

حومه در کانادا
۶۸ - سعید نعمت: دبیر کل فدراسیون عمومی اتحادیه های کارگری و کارکنان دولت در عراق

امضا ها ادامه دارد...

اتحادیه بازنشستگان ژنو)
۶۶- جوزف ظاهر (از مسئولین حزب چپ سوئیس، سولیداریته)
۶۷- استفان ون سیچوفسکی، دبیر کل شورای اتحادیه های کارگری در ونکوور و

کارگری و کمونیست در سلیمانیه عراق
۶۴- استفانی اسمیت دبیر کل اتحادیه کارگران دولت و خدمات در بریتیش کلمبیا در کانادا، ۸۰ هزار عضو
۶۵- هانس هاپلیگر (دبیر

از صفحه ۱۰

در محکومیت اجرای حکم شلاق...

و فعال حقوق زنان
۶۰- پیمان شحیراتی، کارگر سابقه فولاد اهواز
۶۱- فرخ زندی استاد

دانشگاه یورک در تورنتو
۶۲- سیامک بهاری مسئول نهاد کودکان مقدمات
۶۳- نوزاد بابان، فعال

گرامی باد بیست و نهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ آذر ۹۹، ۳۰ نوامبر ۲۰۲۰



متشکل کنیم. این یکی از مهمترین اقداماتی است که در شرایط کنونی در مقابل اعضا و فعالین حزب قرار دارد.

**حزب کمونیست
کارگری ایران**
۱۳ تیر ۱۳۹۷۴
ژوئیه ۲۰۱۸

لطمه میزند صف آرایی کنید. بسیاری از دوستان حزب همچنان بصورت فردی فعالیت میکنند. ما وظیفه داریم و میتوانیم بخش هر چه وسیعتری از این فعالین را در سازمان حزب در داخل کشور

میدهد که نقش موثری در ارتقاء آگاهی آنان، اتحاد آنان و متشکل شدن آنان ایفا کنید و با آمادگی بیشتری نه تنها در مقابل جمهوری اسلامی بلکه همچنین در مقابل جنبش های ارتجاعی و شعارها و شیوه های انحرافی که به مبارزه مردم

واحد های حزبی را هر کجا هستید ایجاد کنید!

تر خواهد بود. در چنین شرایط خطیر و تعیین کننده ای از تک تک اعضا و دوستان حزب میخواهیم که بسرعت دست بکار ایجاد واحدهای حزب شوند. واحدهای حزب در هر کارخانه و اداره ای، در هر دبیرستان و دانشگاهی و در هر محله ای باید ایجاد شود. با دوستان نزدیک و قابل اعتماد خود صحبت کنید، آنها را به عضویت در حزب تشویق کنید، همراه با آنها واحدهای سه تا پنج نفره تشکیل دهید و با حزب تماستان را فعال تر کنید. ایجاد واحد های حزب در مراکز و محلات مختلف و در میان کارگران، معلمان، بازنشستگان، جوانان، نویسندگان و هنرمندان و غیره امکان

جامعه ایران از مقطع دی ۹۶ وارد فاز تازه ای شده است. اعتصابات و تجمعات کارگری گسترش یافته، اعتراضات عمومی تعرضی تر، گسترده تر و سراسری تر شده و توازن قوای میان مردم و حکومت بشکل بازگشت ناپذیری تغییر کرده است. حکومت در بن بست کامل دست و پا میزند و در هم ریخته تر، بی افق تر، مستاصل تر و ناتوان تر از همیشه است. در چنین شرایطی توده های وسیع مردم آمادگی دارند که در اشکال مختلف سازمان یابند. سازماندهی مردم حیاتی ترین مساله کنونی جامعه است. به هر درجه جامعه سازمان یافته تر باشد، اتحاد مردم بالاتر و مسیر سرنوشتی کم مشقت

زیر فشار اعتراضات پرستاران و بالارفتن آمار قربانیان کرونا در میان پرستاران و مردم، روز ۱۲ آذر ماه «نوبخت» رئیس سازمان برنامه و بودجه از موافقت با استخدام ۳۰ هزار نیروی انسانی در واحدهای بهداشتی و درمانی خبر داد.

**پیش بسوی
اعتصابات سراسری**

**پیش بسوی
ایجاد شوراهای**

**حزب کمونیست
کارگری ایران**

۱۱ آذر ۱۳۹۹
۱ دسامبر ۲۰۲۰

حقوقی دریافت نکرده اند، فشار کاری آنها بالاست و بیش از ۲ ماه است که از اعلام اعتبار یازده هزار و پانصد میلیون تومانی برای تسویه حساب کارانه و معوقات آنان می گذرد و همچنان در انتظار پرداخت معوقات سال ۹۸ خود هستند. اعتراضات پرستاران گسترده است. سطح نازل حقوقها، قراردادهای موقت و بیمانی، دیرکرد پرداخت دستمزدها و کارانه و دیگر مطالبات، فشار بالای کاری، عدم رعایت پروتکل های بهداشتی جهانی از جمله موضوعات مورد اعتراض پرستاران است.

اعتراض درب اصلی و کمپ مهندسی پالایشگاه بید بلند ۲ بهبهان را بستند. همانطور که قبلا گزارش کردیم اهالی شهریوی با این شرط که اکثریت جوانان روستا به استخدام این پالایشگاه در بیابند زمین های خود را با قیمت مناسب به دولت فروخته اند. اما به این تعهد عمل نشده است و اکنون کارگران به پارتی بازی در استخدام ها اعتراض دارند. تجمع قبلی این جوانان در دوم آذر ماه بود. قبلا هم در ۲۲ آذر ۹۴ تجمع داشتند که در پی آن در روز ۲۴ آذر سال ۹۴ مرتضی فرج نیا با ضرب گلوله معاون فرمانده انتظامی بنام عبدولی کشته شد. این سابقه زمینه خشم و اعتراض بیشتر مردم ساکن در این روستا و جوانان جویای کار را فراهم کرده است.

- روز ۸ آذر شماری از پرستاران بیمارستانهای سنندج، در اعتراض به ماهها عدم پرداخت دستمزدهای خود مقابل اداره بهداشت استان کردستان تجمعی اعتراضی برگزار کردند. به گفته پرستاران یکسال است که

اعتصاب کارگران ماشین سازی تبریز، و اعتراضات پرستاران و جوانان شهریوی

سرپرست جدید، اداره میشود و سازمان گسترش هم نسبت به نقدینگی و تامین مواد اولیه اقدامات خود را انجام خواهد داد. در این نشست سازمان گسترش پیگیر مشکلات کارگران و تکمیل اعضای هیئت مدیره شد و تعهد داده شد که امنیت شغلی کارگران تضمین خواهد شد. اما کارگران گوششان از این گفته ها پر است و نگران امنیت شغلی خود هستند. از همین رو در روز یکشنبه مراسم معرفی سرپرست جدید در شرکت ریخته گری ماشین سازی با اعتراض و تجمع اعتراضی کارگران روبرو شد.

- روز ۱۰ آذر جوانان جویای کار شهریوی در استان بهبهان برای سومین روز در اعتراض به بیکاری خود و خواست اشتغال به کار در برابر پالایشگاه "بید بلند" تجمع کردند. در حرکت اعتراضی این روز جوانان جویای کار به نشانه

- روز دوشنبه ۱۰ آذر کارگران کارخانه ماشین سازی تبریز برای دومین روز متوالی دست از کار کشیده و تجمعی اعتراضی برپا کردند. این کارگران در روز نهم آذر ماه همزمان با معرفی مدیرعامل جدید شرکت ریخته گری و ماشین سازی، اعتصاب خود را آغاز کردند. کارگران ماشین سازی تبریز به واگذاری شرکت به سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، انتصاب «نقوانش» بعنوان مدیرعامل جدید و وضع بحرانی کارخانه و نداشتن امنیت شغلی اعتراض دارند. پشت این واگذاری ها مثل همیشه اختلاسها و زدبیا نهفته است و بیش از پیش کار و معیشت کارگران را به خطر می اندازد.

در نشستی که زیر فشار کارگران اعتصابی برگزار شد، اعلام گردید که کارخانه با توافق و تعامل کارگران، مدیران استانی و

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: مراد شیخی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر میشود



آزادی برابری حکومت کارگری